



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۶/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۱
صص: ۲۱۶-۱۸۷

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۴۶۵۴-۴۹۷۱



DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.127.6.9

جایگاه قدرت در برابر گفتمان تهدید (مطالعه مورد توان نظامی ایران)

قاسم رنجبر^۱ | حسین سوری^۲ | حجت جهانی راد^۳

چکیده

این مقاله باهدف شناخت هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا در پاسخ به این سؤال که نقطه کانونی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا چیست؟ فرضیه خود را بر این قرار داده که نقطه کانونی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا در نظر بر سه محور دین‌گرایی، پیروی از قانون اساسی و اطاعت از فرمان‌ها فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) و در عمل تأکید بر مدیریت جهادی، قانون مداری و بومی‌سازی تجهیزات دفاعی، زنجیره هم‌طرزای هندسه قدرت در نیروهای مسلح ج.ا.ا را در برابر گفتمان تهدید شکل می‌دهند. روش مقاله توصیفی-تحلیلی و نوع آن بنیادی-کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات با تمرکز بر شیوه‌سند کاوی و با بررسی متون موجود انجام می‌شود. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که نظام معنایی هندسه قدرت در نیروهای مسلح ج.ا.ا از طریق تأکید بر محورهای اشاره‌شده در فرضیه این مقاله می‌تواند نظام معنایی زنجیره هم‌طرزای گفتمان تهدید را که بر سه محور التهاب‌سازی، ترس و تردید متمرکز شده خنثی نموده و اقتدار نظام ج.ا.ا را در حوزه دفاعی-امنیتی در سه بخش دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور استحکام بخشد.

کلیدواژه‌ها: هندسه قدرت، معماری، گفتمان، تهدید، امنیت

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران، ایران

hessansouri2@gmail.com

۲. استادیار، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه فارابی، تهران، ایران

مقدمه

قدرت بدون معنویت، وصول به کمال انسانی را با چالش جدی مواجه می‌سازد. اینکه غرب و نظام سلطه در طول تاریخ در همین چالش قرار گرفته‌اند نشأت گرفته از همین نگاه است. نگاه مادی‌گرایی در هندسه جدید قدرت جهانی، تلاش برای رسیدن به نوعی لیبرال دموکراسی غربی را مبتنی بر توسعه‌طلبی در کانون هندسه جدید قدرت قرار داده و معماری آینده جهانی را در همین نگاه دنبال می‌کند.

در تقابل با این توسعه‌طلبی، هندسه قدرت در حاکمیت اسلامی از تفاوتی ماهوی با اندیشه حاکم بر نظام سلطه برخوردار است. نظام ج.ا.ا. به‌عنوان مظهر حکومت اسلامی طلیعه‌دار اندیشه‌ای است که در پی استقرار ارزش‌های دینی و اسلامی است. این تلاش به دلیل تقابل با اندیشه نظام سلطه با چالش‌هایی همراه شده که نیازمند تدوین راهبردی مقاوم و مطلوب در برابر توسعه‌طلبی ناشی از عملکرد نظام سلطه است.

به نظر می‌رسد در تولید این نظریه ساخت منظومه فکری مشخص؛ مستحکم و الهام‌بخش در حوزه امنیت، می‌تواند استحکام‌بخش سازواره‌های نظام معنایی گفتمان امنیت ساز را در برابر گفتمان تهدید شکل دهد. رسیدن به این هدف و ترسیم منظومه فکری بر اساس آرمان‌های الهی و دینی در نظام اسلامی بر اساس مفاد مندرج در قانون اساسی ج.ا.ا. نیازمند تدبیری شایسته و تفکری برنامه‌ریزی شده است که در اولویت یکم بر عهده مسئولین نظام ج.ا.ا. و در اولویت دوم بر عهده نهادهای ج.ا.ا. و از جمله نیروهای مسلح است. این مهم می‌تواند بر اساس باورها و ارزش‌های دینی مبتنی بر قانون اساسی نظام ج.ا.ا. و تدابیر و اوامر مقام معظم فرماندهی کل قوا^(مدظله‌العالی) به‌عنوان مرکز ثقل حکومت اسلامی در جایگاه ولی فقیه در نظر و از طریق نهادینه‌سازی مدیریت جهادی، قانون‌مداری و تلاش برای بومی‌سازی تجهیزات دفاعی متناسب با تهدیدات روز در عمل، نظام معنایی هندسه قدرت ج.ا.ا. در نیروهای مسلح را در برابر گفتمان تهدید که نظام سلطه راهبری و هدایت آن را بر عهده دارد، معماری و استحکام بخشد.

بدون شک محور اصلی سازه‌های تشکیل‌دهنده هندسه قدرت در حوزه امنیتی - دفاعی نیروهای مسلح هستند که این مهم با توجه به آرمان‌های حاکمیت تعریف خاص خود را دارد. نظام ج.ا.ا. در گذری نزدیک به چهل سال از گذشت انقلاب اسلامی در پراکنش منازعات امنیتی که

محصول سازه‌های ذهنی ناامنی ساز در حوزه داخل و خارج بوده با استعانت از الطاف الهی و رهبری داهیان امام خمینی^(ره) و فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) تجربه هندسه سازی قدرت را کسب کرده و تلاش‌های ارزشمندی را برای ساخت معماری آینده نظام ج.ا.ا به کار گرفته است. به نظر می‌رسد معماری آینده برای ساخت سازه‌های تشکیل دهنده امنیت در برابر گفتمان تهدید نیازمند تعریف مشخصی از هندسه قدرت است. این هندسه بر اساس شرایط حاکم بر کشور و نوع حاکمیت در مقاطع مختلف با فراز و نشیب‌های ناشی از تهدیدات مترتب بر کشور و حاکمیت همراه بوده است. در تمامی این تحولات و تهدیدات ناشی از آن، مرکز ثقل و نقطه کانونی قدرت متکی بر حمایت مردمی از نهاد حاکمیت بوده که به نظر می‌رسد ج.ا.ا آزمون خوبی در این رابطه به خصوص در دوران جنگ تحمیلی داشته است. باین وجود در دوران بعد از جنگ، این مهم به واسطه شکست غرب در براندازی نظام ج.ا.ا و تغییر راهبرد غرب در اتخاذ شیوه جدید مقابله با نظام ج.ا.ا با چالش‌های ناشی از طرح پیچیده براندازی نظام سلطه، روبرو شد که محورهای اساسی آن بر سه موضوع **التهاب سازی، تردید و ترس**، نهادهای نظام ج.ا.ا و افکار ملت بزرگ ایران را هدف قرار داده است. مقابله با این تهدید نیازمند تدوین هندسه‌ای استحکام‌بخش از لایه‌های نظام قدرت سازی ایران به خصوص در نیروهای مسلح در برابر گفتمان تهدید غرب است که به نظر می‌رسد، در حد لازم و کافی مورد توجه قرار نگرفته که این مهم دغدغه محقق را در تدوین این مقاله شکل می‌دهد.

به هر حال تبعات ناشی از این مهم و تأثیر آن بر حوزه دفاعی-امنیتی گم‌شده‌ای است که باید در حوزه نیروهای مسلح به جد مورد توجه قرار گیرد. نیروهای مسلح ایران به‌عنوان مهم‌ترین نهاد امنیت‌ساز حاکمیت بر اساس مفاد مندرج در قانون اساسی مأموریت ارزشمند و خطیر دفاع از امنیت کشور را بر عهده داشته و به همین دلیل شایسته آن است تا تهدیدات مترتب بر آن از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

با عنایت به این مهم به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله برای نیروهای مسلح ج.ا.ا در استحکام‌بخشی به سازه‌های امنیت ساز معماری هندسه قدرت در حوزه مأموریتی آن نیاز به قرائتی جدیدی دارد که این مهم در برابر گفتمان تهدید شایسته تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی است. از نگاه محقق پایه‌های اصلی چهارچوب روشی این قرائت **قاعده مثلثی** است که به ترتیب لایه-

های استحکام‌بخش آن را اندیشه‌های اسلامی و آرمان‌های نظام ج.ا.ا. مندرج در قانون اساسی و بعد از آن اندیشه‌های ولایت‌فقیه شکل می‌دهد و در لایه‌های بعدی اجرایی ساختن این قرائت از طریق تمرکز بر مدیریت جهادی، قانون مداری و تجهیزات دفاعی بومی متناسب با تهدیدات روز هرم مثلث را شکل می‌دهند. اگر قاعده مثلث مورد هدف قرار گیرد، لایه‌های بالاتر به سرعت فروریخته و هندسه قدرت را خدشه‌دار می‌سازد. با این توصیف مقاله حاضر تلاش دارد کاربست عملی تدوین گفتمان امنیت ساز در برابر گفتمان تهدید در نظام معنایی هندسه قدرت در نیروهای مسلح ایران را مورد بررسی قرار دهد که امید است مورد توجه قرار گیرد.

هدف

تبیین و شناخت نقطه کانونی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا.

سؤال

نقطه کانونی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا. چیست؟

فرضیه

بار معنایی و نقطه کانونی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح ج.ا.ا. در نظر بر سه محور دین‌گرایی، پیروی از قانون اساسی و اطاعت از فرمان‌ها فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) و در عمل تأکید بر مدیریت جهادی، قانون مداری و ساخت بومی تجهیزات دفاعی متناسب با تهدیدات روز زنجیره هم‌ارزی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید حریف (التهاب سازی، ترس و تردید) را شکل می‌دهد.

روش تحقیق

روش مقاله توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی-بنیادی است. این تحقیق مبتنی بر رهیافت گفتمان ارائه‌شده و جمع‌آوری داده‌ها نیز به روش سند کاوی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های به عمل آمده محقق با سه دسته از منابع مرتبط با این مقاله برخورد کرده است: دسته اول منابعی است که به مفهوم تهدید توجه داشته‌اند. این کتاب‌ها بیشتر جنبه کلاسیک و تئوری داشته و خالی از بیان مفاهیم کاربردی است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های ترجمه‌شده چهره متغیر امنیت ملی رابرت ماندل، مردم، دولت‌ها و هراس باری بوزان و در بین کتاب‌های داخلی به کتاب تهدیدات امنیت ملی علی عبدالله خانی و کالبدشکافی تهدید اصغر افتخاری اشاره داشت.

دسته دوم کتاب‌های تاریخی بوده که به بیشتر به تحولات امنیتی ایران ناشی از عملکرد گروه‌های سیاسی معاند و مخالف حاکمیت ج.ا.ا. و همچنین عملکرد نظام سلطه در ایران اسلامی با رویکرد تاریخی توجه داشته است. این کتاب‌ها منبع خوبی برای شناخت از تهدیدات مترتب بر امنیت نظام ج.ا.ا. است اما به حوزه کارکرد نیروهای مسلح ایران توجهی نشده است. در این بین می‌توان به کتاب‌هایی چون اسلام سیاسی در ایران نوشته محمد حسینی زاده، جریان‌های فکری-سیاسی ایران معاصر نوشته مصطفی ساوه درودی، ایران در تندباد خارجی نوشته هوشنگ مهدوی اشاره کرد.

دسته سوم منابعی است که بیشتر به صورت مقاله به موضوع راهبردهای امنیتی و عوامل استحکام قدرت توجه داشته است که این مهم علاوه بر ارائه در همایش‌ها از جمله همایش استحکام درونی قدرت در دانشگاه دفاع ملی در سال ۱۳۹۴، در اسناد بالادستی و در شیوه‌نامه‌های ابلاغی نیز آمده است. ضمن اینکه بررسی‌های تحقیقاتی قابل توجهی نیز در حوزه معماری نیروهای مسلح در مراکز راهبردی این نیروها و از جمله ستاد کل انجام شده است. با این وجود به دلیل کلی بودن موضوع و نداشتن الگوی راهبردی دارای نقایصی قابل توجه بوده و نیاز نیروها را برآورده نساخته است.

نوآوری تحقیق حاضر در آن است که به هر سه دسته از موضوعاتی که در این منابع به آن اشاره شده توجه داشته است. با این تفاوت که به طور خاص به مأموریت نیروی مسلح در حوزه تهدید با رویکرد امنیتی باهدف ارائه الگوی هندسه قدرت بر اساس رویکرد گفتمان محور توجه

داشته و برای تکمیل مطالب ضمن توجه به مبانی دینی و اسلامی، تلاش دارد مؤلفه‌های اثرگذار در ترسیم معماری هندسه قدرت در نیروهای مسلح را از طریق توجه به مبانی ارزشی حکومت اسلامی و محورهای مندرج در قانون اساسی ج.ا.ا. و همچنین اندیشه‌های فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) احصاء و مدل موردنظر خود را در برابر گفتمان تهدید در نیروهای مسلح را از طریق ساخت معماری مطلوب ارائه دهد.

چهارچوب مفهومی نظریه گفتمان

واژه‌ی گفتمان که سابقه‌ی آن در برخی منابع به قرن چهارده میلادی می‌رسد، به معنی گفت و گو، محاوره، گفتار است (مک‌دانیل، ۱۳۸۰: ۱۰). افراد مختلفی گفتمان را تعریف کرده و جماعی در این باره وجود ندارد. برای مثال بنونیست^۱ گفتمان را به کارگیری زبان به واسطه‌ی استعمال فردی می‌داند. گرمس^۲ نیز معتقد است که نمی‌توان گفتمان را چیزی جز مجموعه قطعیت‌های متنی دانست (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۵). گفتمان نه تنها شامل مشخصه‌های کلامی و غیر کلامی، تعاملات اجتماعی و کنش‌های کلامی می‌شود؛ بلکه شامل آن دسته از بازنمودهای شناختی و راهبردی نیز می‌گردد که در جریان تولید و ادراک گفتمان نقش ایفا می‌نماید (وندایک، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

تحلیل گفتمان قصد دارد نشان دهد که از طریق کدام فرآیند معنای نشانه‌ها تثبیت می‌شود (یورگنس و فیلیس، ۱۳۹۲: ۵۴). از نظر لاکلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). عوامل و عناصر مرتبط با گفتمان در نظر لاکلا و موفه عبارت‌اند از:

- مفصل‌بندی^۳ مفصل‌بندی به هر کرداری اطلاق می‌شود که میان عناصر مختلف رابطه‌ای ایجاد می‌کند که طی آن هویت آن‌ها در نتیجه‌ی این کردار مفصل‌بندی تغییر می‌کند Laclou;

1. Emile Benveniste
2. Algirdas julien Greimas
7. Articulstion

(Mouffe, 2001: 105). هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آیند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶).

- دال و مدلول: نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند و به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین این نشانه‌ها دال مرکزی است. دال مرکزی به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، گفته می‌شود. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد. در واقع کل نظام معنایی یک گفتمان بر حول دال مرکزی استوار است (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت دارد، مدلول نامیده می‌شود. در واقع مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، دال مورد نظر معنا می‌شود (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

- قابلیت دسترسی و اعتبار: این دو مفهوم برای توضیح چگونگی موفقیت گفتمان‌ها به کار می‌رود. اعتبار ارزشی است که یک گفتمان برای توده داشته و قابلیت دسترسی نیز با توجه به دسترسی مردم به موضوع مشخص می‌کند چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها نسبت به دیگران با استقبال و موفقیت بیشتری روبرو می‌شوند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۳).

- عناصر و وقته‌ها: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها تثبیت نشده و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادهی به آن‌ها را دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. اما وقته‌ها عبارتند از موقعیت‌ها و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی دست یافته‌اند (Laclou; Mouffe, 2001: 105) ..

- هژمونی: هویتی که به فرد و نیروهای اجتماعی داده می‌شود فقط با مفصل‌بندی در درون یک صورت‌بندی هژمونیک به دست می‌آید و هیچ ثبات و عینیتی ندارد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

- زنجیره هم‌ارزی^۱: گفتمان‌ها پیوسته در تلاش‌اند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کنند و جامعه را یکدست نشان دهند. این کار به وسیله‌ی ایجاد یک زنجیره‌ی هم‌ارزی انجام می‌شود. زنجیره‌ی هم‌ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره‌ی معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند (De- Vos, 2013, 165) قرار می‌گیرند.

1. Equivalence chain

- ضدیت یا خصومت: گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها مشروط به وجود غیراست. از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۵۷: ۶۲). در واقع غیریت‌سازی‌ها جایی یافت می‌شوند که گفتمان‌ها باهم برخورد کنند (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸: ۶۴).

- تزلزل یا بی‌قراری: گفتمان‌ها همیشه به وسیله گفتمان‌های رقیب و بحران‌های اجتماعی دچار تزلزل می‌شوند. هنگامی که نظام معنایی یک گفتمان متزلزل شود کل آن گفتمان متزلزل می‌شود و زمینه برای جاننشینی گفتمان رقیب فراهم می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۰).

بر اساس مواردی که بیان شد، می‌توان گفت گفتمان، منظومه‌ای از واژه‌ها و نشانه‌های است که در پیوند باهم، مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سامان‌دهی می‌شود. دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا پیدا می‌کنند (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۳)؛ مانند امنیت که دال‌هایی چون قدرت، آزادی، قانون و مشارکت سیاسی در پیوند با آن معنا می‌یابد و یا تهدید که دال‌هایی مانند قدرت سخت و قدرت نرم با استفاده از ابزارهایی مانند توان تسلیحاتی، استعداد نیروی نظامی، عملیات روانی، جنگ نرم را در کنار خود قرار می‌دهد. به همین دلیل گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در یک زنجیره هم‌ارزی در کنار هم قرار داده و به آن معنا می‌بخشد (حقیقت، ۱۳۸۸: ۳۲۳). هرگاه این زنجیره هم‌ارزی دچار واگرایی شود، دال مرکزی می‌تواند آسیب‌پذیر شود (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۳). بی‌قراری اجتماعی عامل تحول بخش گفتمان‌هاست که می‌تواند عامل اصلی ناامنی در جوامع باشد. راه غلبه بر این ناامنی نیز با ظهور گفتمان جدید و ظهور نظریه‌های مناسب با شرایط جامعه امکان‌پذیر است. اگر جامعه (سازمان) توان ارائه نظریه جدیدی برای حل یک موضوع را نداشته باشد، با گذشت زمان دچار آشوب و ناامنی شده و در نهایت با بحرانی فراگیر مواجه خواهد شد. در فضای بحرانی، گفتمانی می‌تواند توفیق غلبه بر مشکلات را به دست آورد که از اعتبار و قابلیت دسترسی برخوردار باشد. مفهوم اعتبار آن است گفتمان در نزد توده از منزلت بالاتری نسبت به سایر موضوعات برخوردار باشد و قابلیت دسترسی نیز آن است که مردم به سهولت امکان دسترسی به آن را داشته باشند.

با عنایت به توضیحاتی که در خصوص گفتمان به آن اشاره شد، نیروهای مسلح نیز باید برای ساخت معماری قدرت، از طریق هندسه سازی به آن اهتمام ورزد. این هندسه در نگاه اول نیازمند گفتمانی استحکام بخش است که باید در بین کارکنان نیروهای مسلح نهادینه و ساخت نظام واره آن بر اساس اعتبار و قابلیت دسترسی تنظیم و استحکام یابد. محقق بر این باور است که استحکام این گفتمان مبتنی بر شناخت بر دو محور سخت افزاری و نرم افزاری بر اساس آنچه در فرضیه به آن پرداخته شد، قابل استنتاج است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تهدیدات نظام ج.ا.ا

تهدیدات نظام ج.ا.ا بدون شک با هدایت نظام سلطه و با محوریت آمریکا علیه انقلاب اسلامی آغاز شد. این تهدید بر گرفته از ارکان اعتقادی ایلات متحده است که در طول تاریخ علیه کشورهای که در برابر زیاده خواهی این کشور قرار گرفتند، به مورد اجرا درآمد که یکی از آنها ایران اسلامی بود. از این رو شناخت این ارکان لازمه اقدام در برابر تهدید حریف علیه نظام ج.ا.ا است. ارکان بنیادی سیاست خارجی آمریکا بر محور نظرات چهار سیاستمدار آمریکایی شکل گرفته است (سیف زاده، ۱۳۸۷: ۳۹):

- **مکتب همپلتونی:** خواهان همکاری میان حکومت آمریکا و بخش اقتصادی کشور برای پیشبرد منافع اقتصادی این کشور در جهان است. آن‌ها علاقمند به باز کردن بازارها و توسعه اقتصادی آمریکا هستند.

- **مکتب ویلسونی:** از یک سیاست خارجی فعال برای گسترش دموکراسی در عرصه جهانی حمایت می کنند. این طیف در صدد هستند تا دنیا را برای دموکراسی امن کنند. ابزار پیشبرد این گروه سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل است.

- **مکتب جفرسونی:** آن‌ها کمتر نگران دموکراسی در سطح جهان و بیشتر خواهان گسترش آن در داخل آمریکا هستند. در واقع به حفظ آزادی ها در داخل توجه دارند و از طریق تقویت قدرت نظامی به دنبال گسترش پروژه ها هستند.

- **مکتب جکسونی:** مهم‌ترین دل‌مشغولی آن‌ها امنیت ملی آمریکا است و به حدی افراط می‌کنند که تقریباً سایر جنبه‌های سیاست خارجی را فراموش می‌کنند. این طیف از رویکردهای نظامی قدرتمندانه حمایت می‌کنند.

بررسی هر چهار مکتب نشان می‌دهد که هر کدام به نحوی به دنبال اعمال سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی در جهان هستند. تقریباً تمام رؤسای جمهور آمریکا سیاست خارجی خود را بر محور نظرات یکی از مکاتب فوق و حتی در برخی موارد تلفیقی از آن‌ها دنبال می‌کنند. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر با تمرکز بر دو مکتب جکسونی و ویلسونی اقدام خود علیه ایران اسلامی را انجام داد. در حالی که یکی به طور مطلق برافزایش قدرت نظامی تأکید دارد، دیگری به دنبال اجماع جهانی از طریق کاربست سازمان‌های بین‌المللی است که با توجه به شرایط خاص حاکم بر ایران در مقاطع مختلف طرح تهدید علیه ایران به کار گرفته شد. اساساً طرح تهدید در پی تغییر ساختار سیاسی و در ادامه تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهد. ساختار برآمده از انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی خاص خود که مهم‌ترین آن دفاع از ملت‌های مستضعف و تحت ستم بود، با مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه، در برابر «غیری» به نام آمریکا ایستاد که محصول آن تنازع گفتاری و رفتاری دو طرف و در نهایت تلاش طرف مقابل باهدف براندازی حاکمیت اسلامی در ایران بود که در طول چهار دهه از گذشت انقلاب اسلامی به شکل زیر مورد اجرا درآمد:

- محور تهدید در دهه اول با اتخاذ رویکرد سخت‌افزاری از طریق به کارگیری گروه‌های معاند با راه‌اندازی جنگ داخلی و در ادامه کودتا و سپس جنگ تحمیلی انجام شد که همراه خود گفتمان تهدید به تحریم را در برخی از موضوعات به خصوص تحریم تجهیزات نظامی به همراه داشت.

- در دهه دوم رویکرد بازسازی محور اقدام ایران اسلامی بود که برای عبور از دوران خرابی ناشی از جنگ به مورد اجرا درآمد. در این مقطع مقابله با ایران اسلامی با سازمان‌دهی تهاجم فرهنگی به منظور مسخ هویت ملی و دینی مورد توجه غرب قرار گرفت.

- دهه سوم تهاجم فرهنگی که در طی سال‌های دهه ۷۰ (۱۳۸۰ - ۱۳۷۰) به اوج خود رسیده بود، بانفوذ در مراکز آموزش عالی و تحت حمایت اپوزیسیون قانونی، با ایجاد بحران‌های امنیتی

همراه شد. تلاش محوری غرب تأثیرگذاری بر اندیشه هویتی و دینی ملت ایران با حرکت سازماندهی شده به منظور به کارگیری عناصر غیرخودی در داخل و برقراری ارتباط آن‌ها با گروه‌های سیاسی مخالف نظام در خارج و هم‌زمان موضوع به اصطلاح تهدید هسته‌ای ایران مطرح شد.

- دهه چهارم در استمرار تهدید دهه سوم با آشوب سال ۸۸ اوج به اوج رسید در دهه چهارم چاشنی اجرای عملیات روانی علیه ایران در نظام بین‌الملل به بهانه تلاش ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای منفجر و با بزرگ‌نمایی تهدید ایران دوران جدیدی را آغاز کرد که تهدید به استفاده از قدرت سخت و نرم بر اساس اندیشه مکتب ویلسونی و جکسونی به مورد اجرا درآمد. آمریکا اندیشه هر دو مکتب را علیه ایران به کار گرفت در حالی که به سبک عراق دم از تلاش برای ایجاد دموکراسی در ایران می‌زد، قدرت روی میز را نیز به رخ ایران کشید که سرانجام با توافق هسته‌ای در سال ۱۳۹۴ به ظاهر به پایان رسید.

اواخر دهه چهارم با تغییر هیئت حاکم در آمریکا و قرار گرفتن ترامپ، اوج بی‌اعتمادی به آمریکا که همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بود، با خروج آمریکا از برجام به اثبات رسید. ترامپ با تهدید به تحریم گسترده علیه ایران در همه زمینه‌ها تحریم همه‌جانبه علیه ایران را در تابستان ۱۳۹۷ به مورد اجرا درآورد و هم‌زمان تلاش خود را در فضای مجازی به صورت گسترده باهدف تخریب اندیشه ملت ایران به منظور رسیدن به سه هدف اساسی دنبال کرد:

- التهاب‌سازی - این مفهوم به معنای ملت‌بازی فضای داخل بر اساس بخشی از راهبرد مارتین ایندایک یهودی (استحاله از درون) صورت گرفته و به منظور جدایی مردم از مسئولین انجام می‌شود. التهاب‌سازی مبتنی بر نظریه گلداستون، یکی از محورهای اساسی در براندازی حاکمیت است. استون در نظریه خود می‌گوید؛ نالایق جلوه دادن حاکمیت، جدایی نخبگان با تأکید بر سامانه نظامی از حاکمیت، تلاش برای کاهش مشارکت عمومی و درنهایت تنها شدن در نظام بین‌الملل می‌تواند منجر به براندازی حکومت‌ها و درنهایت حتی انقلاب شود (Gold stone, 2011)

- ترس - این واژه بیشتر اندیشه را هدف قرار می‌دهد و در ساخت تهدید به منظور تهی ساختن قدرت دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف اصلی ایجاد ترس، ناکارآمدی مقاومت‌ها در

برابر حریف است. زمانی که این شرایط حاکم شود، انگیزه‌ها برای حرکت به سمت جلو تحت تأثیر قرار گرفته و اقدامی برای توسعه و ساخت سازواره‌های قدرت انجام نخواهد شد. - تردید- شک و دودلی در اجرای اقدامات اساس تردید سازی در اندیشه افراد است. دامنه شک از اعتقادات به عنوان بخش محوری قدرت نرم گرفته تا موضوعات نظامی به عنوان بخش اساسی قدرت سخت، دارای وسعت نظر است. از این رو هدف آن نیز در راستای دو محور بالا و به منظور قالب تهی کردن در مواجهه با شرایط سخت است. از جمله محوری ترین موضوعاتی که در این بخش مدنظر قرار می گیرد شک نسبت به مسئولین دولتی و در نهایت حاکمیت است (رک به سخنان رهبر انقلاب اسلامی - ۲۲ مرداد ۹۷).

ابزار مورد استفاده برای رسیدن به این سه هدف به طور خاص در فضای مجازی مورد استفاده قرار گرفته و در مجموع برای تسخیر ذهن یک ملت و القاء اندیشه ناامیدی و کاهش مشارکت مردمی در صحنه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی صورت می گیرد. محور این اقدامات تلاش برای ایجاد نارضایتی از طریق جنگ اقتصادی است، تا شاید این نارضایتی به اغتشاش و ناامنی تبدیل شود. در عین حال درصددند با اشاره و کنایه شیخ جنگ را ایجاد و بزرگ کنند تا ملت ایران و یا ترسوها را بترسانند (امام خامنه‌ای، ۲۲ مرداد ۹۷)، ابزار مورد استفاده برای رسیدن به این اهداف به طور خاص با توسل به حربه تحریم صورت گرفته که در دوران ترامپ به اوج خود رسید.

تهدیدات علیه نیروهای مسلح

نیروی های مسلح هر کشوری به عنوان مهم ترین ساختار برای دفاع از امنیت کشور در لایه های ساختاری حاکمیت نقش برجسته ای داشته و به طور خاص کارکنان آن بیش از سایرین مورد توجه حریف قرار دارند. این مهم در ج.ا.ا به دلیل آرمان های حاکمیت اسلامی و مقاومت در برابر نظام سلطه از برجستگی خاصی برخوردار بوده و شایسته دقت نظر مسئولین و فرماندهان ارشد نظامی است.

اگرچه در اندیشه برخی از متفکرین و صاحب نظران قدرت نظامی بیشتر با تجهیزات کارآمد و به روز مورد سنجش قرار می گیرد، اما این موضوع به طور مطلق پاسخگوی نبرد نظامی نیست. قدرت

مفاهیم خاص خود را دارد. «راسل ۱» قدرت را ایجاد اثرات موردنظر، «ماکس ویر ۲» قدرت را تحمیل اراده خود بر دیگران، «رابرت دال ۳» قدرت را به معنای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران، «توماس هابز ۴» قدرت را به معنای توانایی دولت در کنترل جامعه، «جوزف نای ۵» قدرت را دانایی محوری در عصر اطلاعاتی می‌دانند (رک به هابز، ۱۳۸۱: ۳۲ و نای، ۱۳۹۲: ۲۱). از این رو محور اصلی قدرت را انگیزه می‌دانند. انگیزه نیروها در نبرد با دشمن بیش هر موضوع دیگری در برتری قدرت نظامی نقش دارد که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عدم مقاومت ارتش عراق در برابر حمله نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۳ مصداق بارزی از این تفکر است که می‌توان به آن اشاره داشت. بدین ترتیب می‌توان گفت مهم‌ترین تهدید در نیروهای مسلح تخریب اندیشه کارکنان نظامی و ساخت‌باورهای غلط در برداشت از موضوعات حاکم بر محیط کشور و در نبرد نظامی، مرعوب شدن در برابر قدرت نظامی حریف است. کارکنان نیروهای مسلح ایران به‌عنوان بخشی از جامعه به‌طور طبیعی در معرض آسیب‌های ناشی از شرایط محیطی قرار دارند. تفاوت این آسیب با آنچه ملت را هدف قرار داده در مأموریت و گذاری به نیروهای مسلح است. هدف نیز همان سه محور تردید، ترس و التهاب‌سازی است. اگر این سه در مجموعه نیروهای مسلح رواج پیدا کند، مهم‌ترین تهدید علیه امنیت ملی کشور صورت گرفته و به دلیل تضعیف ساختار دفاعی، قدرت مقاومت در برابر حریف با تهدید جدی ناشی از برداشت‌های ذهنی و نفوذ بر اندیشه کارکنان مواجه خواهد شد.

تمرکز سرویس‌های اطلاعاتی حریف در حوزه نفوذ، پیش‌تر بر تقریب اطلاعاتی به کارکنان، به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از واحدهای مسلح تمرکز داشت، اما این شکل امروز بیشتر متمرکز بر ساخت اندیشه از طریق نفوذ جریانی است. این شکل از نفوذ می‌تواند تمام لایه‌های حاکمیت اسلامی و از جمله نیروهای مسلح کشور را به‌عنوان بخشی از ساختار حاکمیت مورد هدف قرار دهد. فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه نفوذ، دل‌مشغولی ایشان به شکل تهدید علیه نظام ج.ا.ا است که باید مورد توجه سامانه نیروهای مسلح قرار گیرد که موارد زیر از آن جمله است:

1. Rasell.B
2. Veber. M
3. Dall.R
4. Habez.T
5. Nay.J

- نفوذ جریانی عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند (بیانات، ۹۴/۹/۴)

- از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است که دشمن سعی می‌کند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند (بیانات، ۹۶/۶/۲۵)

- نفوذ سیاسی این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند، وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آن‌ها است؛ آن‌ها هم همین را می‌خواهند... برای آن‌ها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها اراده کنند، مثل آن‌ها و بر طبق مصالح آن‌ها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است (بیانات، ۹۴/۶/۲۵).

- لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور... (بیانات، ۹۴/۷/۱۳).

فرمایشات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در واقع بخشی از تلاش دشمن برای گفتمان‌سازی در جامعه و مراکز تصمیم‌سازی کشور و از جمله نیروهای مسلح است. بنابراین نیروهای مسلح نیز تحت تأثیر این گفتمان در حوزه فرهنگی و سیاسی قرار دارند. به همین دلیل می‌توان گفت نفوذ جریانی مهم‌ترین ساخت گفتمان تهدید علیه باورهای اعتقادی و سیاسی کارکنان نیروی مسلح است که می‌تواند استحکام درونی قدرت در نیروهای مسلح را از طریق تأثیرگذاری بر اندیشه کارکنان و حتی فرماندهان هدف قرار دهد. تبعات حاصل از این اقدام به‌طور خاص ایستارهای ارزشی و هنجارهای حاکم بر نیروهای مسلح از جمله سبک کار و زندگی آنان را تغییر داده و با تأثیر بر قدرت ملی می‌تواند منجر به تهدید علیه امنیت ملی کشور شود.

این موارد نشان از آن دارد که شکل تهدید امروز اندیشه را هدف قرار داده و روش‌ها و ابزارهای آن عمدتاً بر سه روش تهدید، تطمیع، و تبلیغ قرار دارد (رک به مطهری، ۱۳۹۴: ۳۲۱). در روش اول (تهدید)، دشمن، مردم را از جنگ احتمالی می‌ترساند و تنها راه برداشته شدن سایه

شوم جنگ را تعامل با استکبار (وادادگی و کوتاه آمدن) می‌داند که این مهم بارها با شعار «گزینه نظامی روی میز است»، توسط رهبران آمریکایی تکرار شده است که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بارها در تبیین این حربه آمریکا به افشاگری علیه این شیوه کار آنان پرداخته و به صراحت فرمودند، جنگ نخواهد شد و مذاکره هم نمی‌کنیم (بیانات ۲۲ مرداد ۱۳۹۷)

روش تطمیع با گزاره‌های خاص خود و با توجه به شرایط حاکم بر کشور مورداستفاده قرار می‌گیرد. از جمله این موارد شعارهای آمریکا در جریان مذاکرات برجام و انتشار گسترده آن در فضای مجازی با عناوینی چون «آزادی پول‌های بلوکه‌شده»، «لغو تحریم‌ها»، «حل مسئله هسته‌ای»، «حذف گزاره‌های نظامی»، «بهبود شرایط زندگی ملت ایران» بود که به‌طور گسترده باهدف تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها انجام شد.

استفاده از روش تبلیغ نیز با حجم رسانه‌های پوشش‌دهنده‌ی صورت می‌گیرد. این اقدام در واقع مهم‌ترین بخش از تهدید نرم دشمن با استفاده از کاربست عملیات روانی برای مقابله با انقلاب اسلامی است که بارها در طول چهار دهه گذشته و با توجه به شرایط خاص محیطی انجام شده است. ژست دفاع از حقوق، تلاش برای ایجاد دموکراسی مهم‌ترین شعارهای کهنه حریف برای تسخیر اندیشه توده است که به‌طور گسترده در فضای مجازی و از طریق شبکه‌های اجتماعی همسو با اهداف دشمن به آن دامن زده می‌شود.

در هر سه مورد، گفتمان تهدید به‌طور زیرکانه و تدریجی از طریق تأثیر بر بینش (شناخت)، گرایش (عواطف و امیال) و کنش (رفتار) انجام می‌شود. هدف اصلی این گفتمان نیز رواج اندیشه وادادگی در برابر حریف و پذیرش خواسته‌های آن در تقابل قدرت و کاهش اقتدار خودی در منازعه گفتمانی با طرف مقابل است.

راهکارهای مقابله با گفتمان تهدید در نیروهای مسلح

هندسه قدرت نیازمند ترسیم نقشه راه با توجه به سمت و سوی تهدید و با شناخت از شرایط محیطی امکان‌پذیر است. برای ساخت این نقشه سه محور زیر در طراحی اولیه نقشه راه شایسته توجه تصمیم‌سازان و نخبگان حکومتی است (رک به کاشی، ۱۳۹۰: ۱۱):

منطق حاکم بر محیط: این مفهوم به معنای آن است که جامعه (در سطح ملی و فراملی) در حال حاضر چه شرایطی را می‌گذراند. برای شناخت این منطق نگاه به گذشته و تحولات

تاریخی نقش مهمی برای تدوین برنامه پیش روی دارد. در این راه عملکرد حریف در ساخت تهدید علیه حاکمیت محور قرار گرفته و با توجه به شرایط حاضر، راهبرد مقابله با آن تنظیم خواهد شد. نکته مهمی که در این بخش مورد توجه قرار دارد، گرایش‌های کارکنان نظامی به سمت شرایط محیطی است که بیشترین آن ناشی از تحرکات ناشی از فعالیت‌های حزبی است

مولدان فکری: هر تصمیمی بر اساس تراوش‌های فکری فردی و یا از طریق اجماع نخبگان با شناخت از محیط صورت می‌گیرد. بسیاری از تحولات جهانی تحت تأثیر تفکر و اندیشه رهبران حکومتی و یا افراد تأثیرگذار بر جامعه منجر به شکل‌گیری گفتمان غالب در محیط ملی و حتی فراملی شده است. از این رو مولدان فکری به‌عنوان موتور حرکت جامعه برای رسیدن به اهداف طراحی شده در موضوعات مختلف همه موضوعات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی را در برمی‌گیرد. به همین دلیل اندیشه این افراد در حوزه‌های نظامی به‌عنوان بخشی از جامعه نیز تأثیر خاص خود را داشته و کارکنان نیروهای مسلح تحت تأثیر گرایش‌های محیطی به سمت مولدان فکری واکنش نشان می‌دهند.

طبقات حامی: هر اندیشه‌ای نیازمند خریداری است. «بوردیو» جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است امروز سیاست به‌مانند یک بازار عمل می‌کند که کالای اصلی عرضه شده در آن کلام است. این کلام زمانی بازار پیدا خواهد کرد که خریدار داشته باشد. بازار سیاست امروز بیشترین نقش را در بازی سیاسی کلام دارد که از طریق فضای رسانه دنبال می‌شود. هدف اصلی آن نیز جذب طبقات حامی برای افزایش نفوذ کلام در جامعه است. از جمله مهم‌ترین طبقه‌ای که در این مسیر مورد هدف قرار می‌گیرد، طبقه نظامیان است که به دلیل اهمیت مأموریت واگذاری به آن بیشتر مورد هجوم قرار دارد. این هجوم نیز باهدف قرار دادن اندیشه کارکنان نظامی به‌منظور تهی ساختن باورها و اعتقادات آنان در دفاع از حاکمیت دنبال می‌شود.

سه محوری که از آن یاد شد، در تمامی جوامع وجود داشته و تحولات ناشی از این سه محور بیشترین تأثیر را در ساخت گفتمان حاکم بر جامعه دارد. گفتمانی که توان ساخت زنجیره هم‌ارزی را از طریق جذب نشانه‌ها داشته باشد می‌تواند به‌عنوان گفتمان غالب سایر گفتمان‌ها را در حاشیه قرار دهد. اگر این گفتمان متناسب با خواست حاکمیت باشد، استحکام قدرت ناشی از آن می‌تواند سازه‌های تشکیل‌دهنده امنیت را از طریق جذب مشارکت عمومی که کارکنان نیروهای

مسلح نیز به عنوان بخشی از آن هستند؛ در برابر تهدیدات مقاوم نماید. رسیدن به این مقاومت نیازمند طراحی هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید ناشی از این شرایط است که معماری آن در نظر بر اساس شکل زیر در قالب یک هرم نشان داده شده است:



طبق شکل باورهای اعتقادی و دینی به عنوان قاعده این هرم پایه گذار دو محور دیگر خواهد بود. چنانچه این باور به هر دلیلی مورد هدف قرار گرفته و به اصلاح ریخته شود، از دو محور دیگر چیزی باقی نخواهد ماند. از این رو باورهای دینی و ارزشی در حکومت اسلامی مرکز ثقل اعتبار و دسترسی توده به اندیشه‌های اسلامی و فرمان‌ها و اندیشه‌های دینی و ارزشی مورد توجه ولایت فقیه در حکومت اسلامی برای رسیدن به امنیت و مقابله با تهدید است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص توجه به باورهای دینی و اسلامی با اشاره به تأثیر آن در اجرای مأموریت واگذاری به نیروهای مسلح اوامر مؤکدی را به مجموعه کارکنان آن صادر فرمودند که نمونه‌های زیر از جمله این موارد است که شایسته توجه کارکنان نیروهای مسلح است:

- ملتی که بر اساس اسلام و دین و قرآن حرکت کرده است. ارتشش باید متدین باشد. سعی کنید هر چه می‌توانید روح و خلوص دینی و تقوا را در کار و عمل خودتان تقویت کنید و آن

را با خود به داخل یگان‌ها و قسمت‌ها و اداراتی که به آنجا مأمور خواهید شد، ببرید (۶۸/۷/۱۳) - دانش آموختگی دافوس نزاچا).

- خدا را فراموش نکنید، دل را با منبع غیبی قدرت، یعنی سرچشمه‌ی فیاض وجود، یعنی خدای بزرگ، مرتبط و متصل نگهدارید با خدا هر چه بیشتر انس بگیرید... بشر با پشتیبانی و دلگرمی به این منبع لایزال قدرت است که موجودی آسیب‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر می‌شود. (۷۰/۱۰/۱۲ - نداجا بوشهر).

- به ارزش‌های اسلامی پایبند باشید، اخلاق اسلامی، عمل اسلامی، تعهد اسلامی، رعایت حلال و حرام اسلامی، رعایت ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های انقلابی مهم است، کسی که متدین و پایبند به دین است، به معنای واقعی کلمه در سطح نیرو و در هر جا که هست باید مورد توجه باشد و ارزشمند محسوب شود (۷۲/۱۱/۱۹ - روز نهاجا)

- ایمان را در خودتان و در بخش‌های زیر مسئولیتان تقویت کنید. از این توصیه‌هاست که دشمن ناکام می‌شود و می‌ترسد هر چه می‌توانید در میدان دین و اسلام و توجه به خدا و حرکت برای مردم و مفید بودن برای کشور و انقلاب کوشش کنید (۷۴/۷/۵ - هفته دفاع مقدس).

- این ایمان‌ها را حفظ کنید، این راه را با استقامت و استحکام پیش ببرید. آینده ارتش را آن‌چنان بسازید که در کنار دیگر نیروهای مسلح بتوانید دشمن را نسبت به تجاوز و تعدی به حقوق این ملت ناکام کنید (۷۶/۸/۲۱ - دانش آموختگان امام علی (ع)).

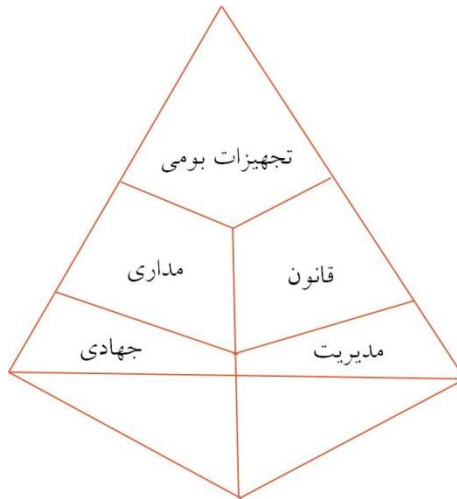
اندیشه اسلام ناب محمدی (ص)، در قالب قانون اساسی به‌عنوان دومین بخش از این هرم مبانی قانونی حاکمیت اسلامی را بر اساس اصل ۲ و ۳ قانون اساسی در چهار محور معنویت، استقلال، عدالت و آزادی مشخص نموده و بر این اساس حاکمیت تلاش خود را برای رسیدن به این چهار محور انجام می‌دهد. مأموریت قوای مسلح بر اساس اصول مندرج در قانون اساسی از اصل ۱۴۳ تا ۱۵۱ برای ارتش پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام ج.ا.ا. و برای سپاه نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن ذکر شده است. در رأس هرم نیز ولایت فقیه به‌عنوان مغز متفکر حاکمیت اسلامی عامل استحکام بخش هندسه قدرت برای امنیت در منظومه فکری و هندسه معرفتی قرار داشته و تدابیر و فرمان‌ها ایشان بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی نقش محوری را در تنظیم و ترسیم نقشه راه حاکمیت اسلامی دارد. این سه محور به‌عنوان پایه‌های مشروعیت ساز حاکمیت

اسلامی در بخش نظری، قدرت نرم‌افزاری حکومت اسلامی را شکل داده و این قدرت در تمام لایه‌های ساختاری حاکمیت و از جمله نیروهای مسلح دیده شده است.

انطباق این سه محور با آنچه در مأموریت نیروهای مسلح به آن تسریع شده دقیقاً قابل مشاهده است. چنانچه در هرم دیده می‌شود باورهای اعتقادی و ارزشی کارکنان نیروهای مسلح، پایه‌های هویت‌ساز آنان را شکل می‌دهد. اگر این پایه مورد هدف قرار گیرد، الزام به قانون اساسی در تمامی حوزه‌های آن به‌خصوص مفاد مشخص شده در حوزه مأموریتی نیروهای مسلح از جمله پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام ج.ا.ا. و نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن با تهدید جدی مواجه شده و انگیزه‌های دفاع از حاکمیت به دلیل تخریب باورهای دینی و اعتقادی و ارزشی، به شدت کمرنگ و در ادامه با حذف تدریجی به فراموشی سپرده خواهد شد. مهم‌ترین آسیب ناشی از این شرایط وادادگی در برابر گفتمان حریف است. تلاش دشمن در این بخش آن است که با ساخت گفتمان ناشی از اندیشه هویت‌ساز «غیر» نظام برآمده از این اندیشه را در سطح نیروهای مسلح همانند آنچه در جامعه وجود دارد، تقویت نموده و با تسری آن در تمام ساختارهای نظامی، استحکام درونی قدرت در نیروهای مسلح را تضعیف و در نهایت نابود سازد. دیالوگ برآمده از این اندیشه، زنجیره هم‌ارزی گفتمانی را شکل می‌دهد که در آن دال مرکزی همان خواست حریف بوده و سایر دال‌ها در اطراف این دال مرکزی، در تلاش برای ساخت معماری جدید قدرت، بدون ولایت فقیه رأس هرم را به‌عنوان متفکر اصلی و مولد فکری جریان اسلامی هدف قرار می‌دهد که از مصادیق آن می‌توان هجمه به اصل ولایت فقیه در جریان آشوب‌های سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ را اشاره داشت.

راه کار برون‌رفت از این شرایط که بخش نرم‌افزاری هندسه قدرت را تشکیل می‌دهد، تقویت این سه لایه در نیروهای مسلح توسط جایگاه‌های فرماندهی، حفاظت و عقیدتی است. هندسه قدرت برآمده از این اقدام بدون شک نیازمند تلاش بی‌وقفه این سه جایگاه در ارتقاء بصیرت سیاسی و امنیتی کلیه کارکنان نیروهای مسلح بوده و تنها راه استحکام نظری قدرت در برابر گفتمان حریف با توجه به شرایط حاکم بر کشور را شکل می‌دهد. استحکام این سه لایه می‌تواند گفتمان امنیت‌ساز در نیروهای مسلح را به‌عنوان مرکز ثقل ساخت معماری هندسه قدرت شکل دهد.

در حوزه سخت‌افزاری نیز توجه به سه محور اساسی مدیریت جهادی، قانون مداری و تمرکز بر ساخت تجهیزات دفاعی به شکلی که در هرم مشخص شده است، بخش دوم ساخت هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید حریف را شکل می‌دهد.



طبق شکل مدیریت جهادی پایه اصلی هرم را شکل می‌دهد. مدیریت جهادی در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) کار و تلاش با نیت الهی معنا شده و آن را اقدامی مهم برای حرکت به جلو می‌دانند. ایشان در همین رابطه فرمودند: اگر مدیریت جهادی و یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خجاست آمیز قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر قابل حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد (بیانات ۹۲/۱۰/۲۳)

مدیریت جهادی مانند هر موضوع دیگری نیازمند ترسیم نقشه راه است. برای رسیدن به این هدف سنجش شرایط محیطی با تأکید بر شناخت از تهدیدات لازمه هر گونه اقدام جهادی است. این مهم در نیروهای مسلح به دلیل اهمیت مأموریت و واگذاری به آن که متمرکز بر ایجاد امنیت است، بیش از هر سازمان دیگری لازم و ضروری بوده و تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی کشور نیز بر همین اساس انجام می‌شود. در تدوین این راهبرد مدیریت جهادی ناظر بر شناخت از عوامل ثابت و متغیر خواهد بود (متقی، ۱۳۸۳: ۷). اگر شرایط جغرافیایی به عنوان عامل ثابت مورد ارزیابی

قرار گیرد؛ عناصری مانند ظرفیت نظامی و تسلیحات نظامی، روحیه ملی، محیط داخلی و ساختار بین‌الملل به‌عنوان عوامل متغیر تنظیم‌کننده مدیریت جهادی خواهند بود و این همان نکته‌ای که مقام معظم فرماندهی کل قوا در تفسیر از مدیریت جهادی با عنوان علم و درایت از آن یاد کردند. در این بخش نیز آنچه به‌عنوان یک محور در ترسیم نقشه راه مدیریت جهادی مدنظر قرار دارد؛ شناخت از محیط و بر اساس آن تنظیم راهبرد با توجه به توانمندی خودی و شناخت از دشمن است. به‌عبارت‌دیگر مدیریت جهادی اصول ناظر بر حفظ منافع امنیت ملی کشور است که این مهم از طریق مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات مترتب بر امنیت کشور و حاکمیت در مأموریت‌های واگذاری به نیروهای مسلح از جمله محورهای زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

- تعیین سیاست‌های دفاعی - نظامی و امنیتی
 - تعیین مأموریت‌های پدافندی، آفندی و دفاع تهاجمی
 - برآورد نیازمندی‌ها با توجه به برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت
 - ارزیابی اقدامات در حوزه‌های مأموریتی
 - نظارت و کنترل بر نیروها و آمادگی تجهیزات
 - اجرای اقدام در سه محور سنجش، آموزش و پژوهش
 - بازنگری ساختار با توجه به تغییر در سمت‌وسوی آسیب‌ها و تهدیدات
- این موارد تنها بخشی از موضوعاتی است که لازم است با اقدام جهادی در حوزه مدیریتی نیروهای مسلح مورد توجه فرماندهان ارشد نظامی قرار گیرد اینک رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند عامل همه این مشکلات تحریم‌ها نیست، بلکه ناشی از مسائل درونی و نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری اجرایی است (۲۲ مرداد ۱۳۹۷) باید به جد مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌ها برای نهادینه‌سازی مدیریت جهادی در نیروهای انجام گیرد تا استمرار آن تبدیل به گفتمان غالب در مأموریت واگذاری به نیروهای مسلح گردد. به‌عبارت‌دیگر حاکمیت این گفتمان یکی از مهم‌ترین گام‌ها در ساخت هندسه قدرت در برابر گفتمان تهدید حریف خواهد بود. در همین رابطه فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ساخت نیروی مسلح قوی و هوشیار می‌تواند به‌عنوان اقدامی جهادی مورد توجه قرار گیرد: ایشان آمادگی نیروهای مسلح را در مواردی چون

سازمان‌دهی محکم و باکیفیت از طریق توجه به نیروی انسانی دانسته و با تأکید بر هوشیاری نیروهای مسلح می‌فرمایند:

- تقویت با ابزار مدرن و پیشرفته، تقویت با نگهداری و خودکفایی، تقویت با سازندگی در درون نیروهای نظامی و سازمان صنایع دفاع، تقویت با دانش - کاری که شما در اینجا می‌کنید - تقویت با تجربه و آزمایش و تمرین دائمی و مستمر، تقویت با ایمان، که پشتوانه‌ی همه آن‌هاست. (۶۹/۸/۲۸).... آمادگی نیروهای مسلح باید به گونه‌ای باشد که گویا فردا جنگ خواهد بود. دائم باید بیدار باشند... آمادگی تان در این چند چیز باشد، اولاً سازمان‌دهی‌ها را هر چه می‌توانید، محکم‌تر و باکیفیت‌تر باشد. اصل در نیروی انسانی و استفاده و کاربری نیروی انسانی سازمان‌دهی است. دوم کیفیت بخشیدن به نیروهای انسانی است. نیروی انسانی را رها نکنید. دائم این‌ها را پشتیبانی معنوی کنید ... بعد مسئله ابزار است. کاری کنید که در درون نیروهای مسلح به کسی محتاج نباشید (۷۴/۱/۳۰).... در این سه جهت (دین و اخلاق، استقلال، کار آیی) بازسازی و حرکت کنید. هر کاری می‌خواهید بکنید، این سه رکن را در حرکت خودتان در نظر داشته باشید (۷۶/۱/۲۷).

دومین بخش از هرم قانون‌مداری است که این مهم در حوزه مأموریتی نیروهای مسلح برجسته‌تر از سایر موارد است. دلیل این برجستگی به واسطه ذات مأموریت واگذاری به قوای مسلح است. واحدهای مسلح به دلیل برخورداری از نظم و قانون‌مداری در بین سایر سازمان‌ها شناخته شده هستند و این نظم اساس و محور ساختار نیروهای مسلح را شکل می‌دهد. حفظ نظم و انضباط درونی با پذیرش قواعد خاص نظامی‌گری و عدم ورود به بازی‌های سیاسی مهم‌ترین محور در ساخت قدرت نظامی‌شکلی و برجسته است که می‌تواند منجر به حفظ و استحکام هندسه قدرت در نیروهای مسلح گردد. از جمله مهم‌ترین آسیب‌هایی که جامعه اسلامی ایران را بعد از پیروزی انقلاب مورد هدف قرارداد، بازی‌های سیاسی ناشی از گرایش به سمت جریان‌های سیاسی بود که این مهم اگرچه در قوای مسلح کمتر دیده شد، اما همین مقدار نیز آسیب جدی برای نیروهای مسلح بوده که بیشتر در دوران اوایل انقلاب اسلامی و ناشی از شرایط خاص آن دوران بود. تهدید ناشی از گرایش به سمت بازی سیاسی در واقع خروج از قانون اساسی و اقدام علیه امنیت ملی

کشور است که بارها مورد تأکید امام خمینی (ره) و فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله-العالی) قرار داشته که نمونه‌های زیر از آن جمله است:

- «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان‌طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛... و خود را از بازی‌های سیاسی دورنگه دارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون‌گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند (وصیت‌نامه امام خمینی، ۱۳۶۸، ۵۰)

- اگر ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح در حزب وارد بشوند، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند...، ورود سیاست در ارتش، شکست ارتش است.» (صحیفه نور، جلد شانزدهم: ص ۷۹).

- «قوای مسلح از هر قشری که هستند درحالی که باید دارای دید سیاسی باشند و هرگز کورکورانه عمل نکنند، نباید در اموری که سیاست‌بازان در آن دخالت دارند، داخل شوند. (امام خمینی، ۱۳۵۹: دیدار).

- امور سیاسی در ارتش از هرویین بدتر است. از این جهت یکی از چیزهایی که لازم است برای شما باید این مطلب را با جدیت، با قدرت در همه‌جا بسط دهید، این است که نگذارید [کارکنان] در امور سیاسی وارد بشوند.

- آن چیزی که در بین ابرقدرت‌ها مطرح است این است که شما وارد بشوید در این میدان، یک دسته اهل گروه کذا شوید و یک دسته هم اهل حزب کذا بشوید و دائماً افکارتان بیاید سراغ حزب‌بازی، گروه‌بازی و سراغ این مسائل و... (امام خمینی، ۱۳۶۰: دیدار).

- عضویت در یک گروه سیاسی، یک گروه و یا یک سازمان به معنای اطاعت عضو از رهبر آن گروه است. از طرفی عضویت در یکی از نیروهای مسلح به معنای اطاعت از فرماندهی است و دو فرماندهی بر یک انسان امکان‌پذیر نیست (امام خمینی ۶۱/۱۲/۲۵)

- فرماندهان و مسئولین موظف هستند که هر کس که در یکی از احزاب گروه‌های سیاسی یا دینی وارد شد، به او تذکر دهند که خارج شود. اگر تخلف کرد او را از ارتش و دیگر قوای مسلح اخراج کنند (امام خمینی ۶۱/۱۲/۲۵)

قانون مداری صرفاً محدود به عدم ورود به جریان‌های سیاسی نیست. این مهم از آن جهت مورد توجه قرار گرفته که نظام ج.ا.ا در چهار دهه اخیر بیش از هر موضوع دیگری با اندیشه سیاسی ناشی از فعالیت‌های حزبی مواجه بوده و بیشتر این جریان‌ها به دلیل ارتباط با سرویس‌های حریف یا عامل جمع‌آوری اطلاعاتی آنان بودند و یا اینکه مأموریت مخفیانه برهم زدن نظم داخلی را در فضای مجازی بر عهده داشتند. گرایش کارکنان نظام به سمت جریان سیاسی و یا حمایت مستقیم و غیرمستقیم به جد بر هندسه قدرت نظام ج.ا.ا نقش داشته و ناخواسته در جهت خواست حریف برای گفتمان سازی یک «غیر» در برابر گفتمان انقلاب اسلامی است. این غیر همان تهدیدی است که امنیت نظام ج.ا.ا را از طریق تأثیر بر اندیشه و عملکرد کارکنان نظامی توان رزمی قوای مسلح را هدف قرار می‌دهد.

قانون مداری در نیروهای مسلح از طریق وحدت رویه و برنامه‌ریزی مناسب در خصوص ضابطه مداری، نظم و انضباط می‌تواند قدرت نیروهای مسلح را تحت تأثیر جدی قرار دهد. ضابطه مداری، نظم و انضباط محور اساسی استحکام هندسه قدرت در نیروهای مسلح است. تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه از جمله دلایل اصلی توجه به قانون مداری است. ایشان قانون-مداری را در هر گونه سستی و بی‌مبالاتی دانسته و می‌فرمایند:

....لازم است فرماندهان از هر گونه سستی و بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری و ولنگاری از طرف افراد و مأموران پایین دست به شدت جلوگیری کنند (۶۷/۷/۵).... ما با این تجربه (جنگ) و تجربه‌های دیگر، لازم است نیروهای مسلح را تقویت کنیم.

با این وجود به نظر می‌رسد در حوزه قانون‌مداری، مشکلی در مورد رعایت قوانین نیروهای مسلح در مجموعه ساختاری این نیرو وجود ندارد. کارکنان از همان ورود به مجموعه نظامی با قوانین آشنا با آن خو گرفته‌اند. رعایت نظم و انضباط درون‌سازمانی و اطاعت از فرمان‌ها سلسله‌مراتب در نیروی مسلح نهادینه شده و اگر مشکلی هم در این زمینه وجود دارد ناشی از شرایط خاص و به صورت موضوعی دیده شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد، مشکلات قانونی قوای مسلح ناشی از آسیب‌های فراساختاری و تسری آن به محیط داخلی این مجموعه و بیشتر تحت تأثیر تحولات حاکم بر محیط و انتقال اندیشه محیطی است که باید به‌عنوان یک تهدید تأثیرگذار در تغییر ساخت گفتمان حاکم بر نیروهای مسلح مورد توجه قرار گیرد و این وظیفه

اصلی و ذاتی فرماندهان نیروهای مسلح و جایگاه‌های ذی‌ربط و از جمله عقیدتی و حفاظت است که باید در مورد آن چاره‌اندیشی و در برابر انتقال این گفتمان به داخل مجموعه به‌عنوان نفوذ جریانی مقابله کنند.

سومین بخش که رأس هرم را در حوزه سخت‌افزاری مورد توجه قرار می‌دهد، افزایش توان دفاعی در حوزه ساخت تسلیحات بومی است. از ویژگی خاص یک سازمان پویا تمرکز بر اجرای موفق مأموریت است. سازمان‌ها به‌واسطه نوع مأموریت خود نیازمند به قطعیت در اجرای امور هستند که در آن افراد سازمان مصمم، تهاجمی، صریح و رک‌گو هستند (Javidan & House, 2001, p.293). سازمانی که در آن قطعیت بالاست، افراد تشویق به رقابت شده و نگرش غالب مبتنی بر توانایی انجام کار در سازمان بوده و اعتقاد بر این است که پیروزی در سایه تلاش به دست می‌آید (Joy & Kolb, 2008: 52). تجربه جنگ تحمیلی و تلاش برای ساخت تجهیزات داخلی باهمت کارکنان جهادی آن در ساخت برخی تجهیزات بومی نمونه‌ای از اقداماتی است که آغازگر حرکت روبه‌جلوی نیروی مسلح برای دفاع از تمامیت ارضی کشور بود. ارتقا توان دفاعی نیروهای مسلح بر اساس بند ۲۴ از سند چشم‌انداز و تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور طبق بند ۲۵ همان سند نشان از اهمیت افزایش توان نظام ج.ا.ا. در برابر تهدید علیه امنیت ملی کشور است که در تاریخ ۱۱/۹/۸۲ از طرف فرماندهی معظم کل قوا ابلاغ شد.

در حوزه سخت‌افزاری راه‌اندازی نهضتی فراگیر در نیروهای مسلح در تمام رده‌های ساخت تسلیحات به‌خصوص تغییرات ساختاری متناسب با تهدید روز و ساخت سلاح مناسب با آن، مدیریت ساخت سلاح از طریق تمرکز بر اقدام جهادی و به‌کارگیری نیروهای مستعد و خلاق جهادی، اجرای اقدامات جهادی در حوزه تحقیقات دفاعی برای ساخت سلاح بومی و تلاش برای استانداردسازی و بهینه‌سازی تجهیزات و تسلیحات از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که از طریق سرمایه‌گذاری بر روی آن می‌توان آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی را با اتکا بر نیروی خودی خنثی نمود. بدون شک تحریم‌ها به دلیل وابستگی تسلیحاتی ایران به کشورهای خارجی که در عصر پهلوی شکل گرفت، توان نظامی کشور را تحت تأثیر قرار داده است، باین‌وجود این مهم دلیل بر پایان راه نبوده و همان‌طور که در دوران جنگ به اثبات رسید می‌توان برای غلبه بر آن بر صنعت داخلی و دفاعی و انتقال تجربه نخبگان دانشگاهی برای ساخت تسلیحات اقدام نمود.

آنچه مهم است باور به توانمندی خودی است که دشمن در مقاطع مختلف و بازمهم از طریق فضای مجازی و در برخی موارد عناصر داخلی وابسته به جریان سیاسی در صدد القاء ناتوانی قوای مسلح در ساخت تجهیزات کارآمد و به‌روز از طریق انتقال گفتمان موردنظر خود بوده است. این اقدام در حالی انجام شده و همچنان دنبال می‌شود که ج.ا.ا باهمت کارکنان نظامی و جهادگر خود در بخش دفاعی موفقیت‌های چشمگیری را در عرصه ساخت سلاح‌های بومی به‌خصوص ساخت سامانه موشکی به دست آورده که حریف نیز به‌خوبی از این توانمندی آگاهی دارد. به همین دلیل تبلیغ علیه قدرت موشکی ایران در جریان مذاکرات برجام و بعداز آن به یکی از محوری‌ترین موضوعات قدرت نظامی در نظام بین‌الملل موردتوجه قرار گرفت. این مهم در واقع بخش اساسی و تلاش برای خودی ساختن تجهیزات دفاعی و خروج از وابستگی به خارج است، که می‌تواند موردتوجه سایر بخش‌های ذی‌ربط در نیروهای مسلح به‌خصوص در بخش‌های جهاد خودکفایی قرار گرفته و این همت فرماندهان و مسئولین قوای مسلح است که با باید سرمایه‌گذاری بیشتر و بهتر در این بخش و با تأکید بر مدیریت جهادی این مهم را در دستور کار قرار دهند، تا گفتمان غالب ما می‌توانیم را در برابر گفتمان تهدید ناشی از نتوانستن را در مجموعه حاکم کنند.

همان‌طور که اشاره شد، آنچه امروز در منطق دفاع نظامی بیشتر موردتوجه قرار می‌گیرد، برخورداری از سلاح و مهمات و تجهیزات به‌روز و متناسب با تهدید است. ایران اسلامی نیز در این بخش باید توجه به ساخت سلاح بومی را با توجه به تجربیات گذشته و فشارهای تسلیحاتی حریف برای تضعیف قدرت نظامی ایران موردتوجه قرار دهد. اتکا به تسلیحات خریداری شده به‌رحال درجایی و یا مقطعی خاص با مشکل ناشی از دریافت و یا خرید مواجه خواهد شد که این مهم در جریان انقلاب اسلامی به دلیل تحریم به وقوع پیوست. برای ج.ا.ا و قوای مسلح آن عبور از این مرحله اگرچه سخت و دشوار است، اما این اقدام باهمت نیروی خودی امکان‌پذیر است.

با عنایت به این مهم تجربه نشان داده که غرب در هر مقطعی با استفاده از موضوعاتی مانند تحریم تلاش داشته تا گفتمان تهدید علیه نیروهای مسلح را با طرح تحریم تسلیحاتی و جلوگیری از انتقال فناوری و برخورد با کشورهای طرف قرارداد با ایران در حوزه تسلیحاتی ساماندهی و از آن استفاده نماید. این گفتمان که باهدف تأثیرگذاری بر اندیشه کارکنان نظامی و مرعوب ساختن آنان در برابر قدرت حریف صورت می‌گیرد، نوعی شک و دودلی در ذهنیت آنان را نیز هدف

قرار داده تا از این طریق هندسه سازی قدرت در نیروی مسلح ایران را تحت تأثیر قرار دهد. به هر حال این رویکرد یکی دیگر از محورهایی است که گفتمان تهدید غرب علیه نظام ج.ا.ا را علیه نیروهای مسلح شکل داده و به نظر می‌رسد همچنان در آینده نیز به دلیل بی‌اعتمادی‌هایی که در مراحل مختلف از آنان دیده شد، ادامه یابد. با این وجود برون‌رفت از این شرایط بر اساس آنچه بدان اشاره شد، اتکا به نیروی خودی برای ساخت هندسه قدرت در برابر گفتمان حریف است که با توجه به هرم ارائه‌شده در مقاله حاضر که در دو محور نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اشاره شد امید است مورد توجه مسئولین، فرماندهان و کارکنان نیروهای مسلح قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

معماری قدرت به‌نوعی هندسه سازی قدرت است. تغییر در سمت و سوی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها از جمله مهم‌ترین دلایل ساخت معماری قدرت و یا هندسه سازی قدرت است. قدرت به‌واسطه ربط وثیق با امنیت در مفهومی به نام قدرت ملی بیشترین کاربرد را در هندسه قدرت پیدا کرد. در این مفهوم جمع‌توانایی‌های بالقوه و بالفعل (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) یک ملت در دفاع از منافع موجود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، تکنولوژی و ایدئولوژیکی قدرت ملی کشور تلقی می‌شود. این توانایی در صورتی امکان‌ظهور در عرصه رقابت را به دست خواهد آورد که مبتنی بر ساخت سازه‌هایی استحکام‌بخش متناسب با اندیشه‌های نظام حاکم و ایدئولوژی برآمده از مکتب باشد. این موارد در صورتی که با اندیشه‌های ارزشی و باورهای دینی همراه شود می‌تواند با داشتن رهبری دوران‌دیش و افق‌گرا خواسته‌های حاکمیت را در حوزه دفاع از امنیت و تأمین رفاه عمومی به‌عنوان فلسفه اصلی تشکیل حکومت تأمین نماید. مدیریت صحیح منابع و امور کشورداری از طریق به‌کارگیری نهادهای کارآمد و توانمند از جمله نهادهای اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در تأمین قدرت و رسیدن به اقتدار به‌عنوان عامل مشروعیت‌ساز قدرت است که در کنار مباحث ارزشی می‌تواند در معماری آینده قدرت نقش بی‌بدیلی داشته باشد.

تلاش مقاله حاضر بر این بود تا الگویی از هندسه قدرت در نیروی مسلح را در برابر گفتمان تهدید ارائه دهد که نویسنده دو محور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را به ترتیب در نظر و عمل

موردتوجه قرارداد. هر کدام از این دو محور از سه لایه تشکیل شده که به ترتیب در حوزه نظر باور دینی و اعتقادی، قانون اساسی، و ولایت فقیه قرار داشت. در حوزه سخت افزاری نیز سه لایه مدیریت جهادی، قانون مداری و تمرکز بر ساخت تسلیحات بومی، هرم را شکل داده است.

در هر دو هرم نیروی انسانی مرکز ثقل هندسه سازی قدرت تلقی شده و به نوعی سرمایه اجتماعی نیروی مسلح را شکل داده است. از این رو سرمایه اجتماعی در نیروی مسلح به نوعی عناصر اصلی و سازه های محوری هندسه قدرت را شکل می دهد که برخلاف سرمایه مادی که مشتمل بر عناصر کمی است، ناظر به ارزش کیفی برای کار است (گروتات، ۲۰۰۲: ۱) و اعتمادسازی، هنجار سازی (putnam, 2005: 67) و توانایی برای برقراری ارتباط (Coleman, 1993: 92) را دنبال کرده و صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات را بشدت موردتوجه قرار می دهند (Fukuyama, 1999: 32). بر این اساس می توان گفت سرمایه اجتماعی بر دو محور ساختاری شامل سازه های عینی و ملموس و دیگری محور معرفتی با تمرکز بر شاخص هایی چون ارزش ها و هنجارها و باور مشترک کارکنان نیروهای مسلح را شکل داده و تضمین کننده مشارکت و همبستگی آنان در دفاع از امنیت ملی کشور و حاکمیت اسلامی بوده و هندسه قدرت را استحکام می بخشد. بر این اساس می توان گفت در حکومت اسلامی مبانی دینی رکن و مرکز ثقل استحکام هندسه قدرت است و ساخت منظومه فکری معنویت ساز در نیروی مسلح از طریق تمرکز بر ایمان برآمده از مبانی دینی؛ عدالت برآمده از مفاد مستخرج در قانون اساسی و ولایت مداری مبتنی بر عقل و اندیشه حاصل می شود. این مهم در صورتی که متکی به توانمندی ها و پتانسیل های درونی نظام ج.ا.ا در سه حوزه مدیریت جهادی با اندیشه برآمده از علم و درایت، قانون مداری مبتنی بر فرهنگ حاکم بر جامعه نظامی و ساخت تجهیزات بومی ساخته شده از همت و تلاش متفکرین و نخبگان حوزه دفاعی و نظامی باشد، توان خنثی سازی گفتمان برآمده از تهدیدات حریف را خنثی و سازه های امنیت ساز نظام ج.ا.ا را استحکام بخشد.

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای در سایت www.kameneh.ir
- امام خمینی (ره) - بیانات - صحیفه نور
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۸۸)، تحلیل گفتمانی در بازاندیشی اجتماعی، تهران، فصلنامه سیاست مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار، شماره ۹.
- بهرام‌پور، شعبان‌علی (۱۳۷۹)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسن سیف زاده، فصلنامه مطالعات منطقه ای، مبانی نظری سیاست خارجی آمریکا با نیم نگاهی به ایران، شماره ۲، بهار ۸۷، ص ۳۹
- حسینی زاده، سید محمد (۱۳۸۹)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۹)، «اسلام سیاسی در ایران»، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۸)، روش شناسی در علم سیاست، قم: دانشگاه مفید.
- خلجی، عباس (۱۳۸۶)، ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی، پایان نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- قانون اساسی ج.ا.ا.
- مصطفی ساهه درودی (۱۳۹۴)، جریانهای فکری - سیاسی ایران معاصر، تهران، دانشگاه فارابی.
- مجموعه مقالات همایش استحکام درونی قدرت (۱۳۹۴)، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵)، تجربه و تحلیل نشانه‌ها/معناشناختی گفتمان، تهران: سمت.
- مک دانیل، تیم (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱) انسان و ایمان در مجموعه کتاب، تهران، سروش
- وندایک، تنو (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعاتی رسانه‌ها.
- عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۳
- غلام رضا کاشی، محمدجواد (۱۳۹۰)، الهیات سیاسی، تهران دانشگاه علامه طباطبایی.
- یورگنس، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۳) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- خلجی، عباس (۱۳۸۶)، ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی، پایان نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- هابز، توماس (۱۳۸۱) لویاتان، تهران، نی
- نای، جوزف (۱۳۹۲) چهارچوب قدرت، تهران، صیاد شیرازی

- Coleman, J. S. (1990), Social capital in the creation of human capital, *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120
- Fukuyama, Francis (1999), "Social Capital and Civil society", IMF conferences on second Generation –Laclau, Ernesto; Mouffe, Chantal(2001), *Hegemony and Socialist Strategy*, New York, verso
- Javidan, M. House, R. (2001) Cultural Acumen for the Global Manager: Lessons from Project GLOBE, *Organizational Dynamics*, 29(4), 289–305
- De Vos, Patrick(2001)), *DISCOURSE THEORY AND THE STUDY OF IDEOLOGICAL (TRANS-) FORMATIONS: ANALYSING SOCIAL DEMOCRATIC REVISIONISM*, International Pragmatics Association
- Joy, S. Kolb, D. (2009). Are there cultural differences in learning style? *International Journal of Intercultural Relations*, 33, 69–85
- Nye. Joseph, (2004). "Soft power Public Affairs". Persian.usinfo.state.gov.
- Putnam, Robert(2005), «Social Capital: Measurement and Consequences», Kennedy School of Government, Harvard University.

